

## تفاوت تشکل‌های مستقل کارگری با سایر نهادها

تشکل‌های کارگری نهادهایی هستند که در زمان غیاب حزب پیشتاز انقلابی شکل می‌گیرد. آن زمان که حزب پیشتاز انقلابی به وجود آمد، نقش اصلی این تشکل‌ها خود به خود به پایان می‌رسد.

در اروپا و آمریکا نهادهای سنتی کارگری مانند اتحادیه‌ها و سندیکاها، با وجود این که اشکال متشکل کارگری برای مبارزات طبقه‌ی کارگر بر علیه نظام سرمایه‌داری بوده است، اما از آن جایی که رهبری این نهادها همیشه به سرعت به طرف سازش با بورژوازی و کارفرمایان حرکت کرده و به همین سرعت از خصلت انقلابی مبارزات کارگران فاصله گرفته‌اند، ماهیت این نهاد را بوروکراتیک و بورژوایی اصلاح طلب ساخته است.

اگر چه جریان‌ات انقلابی کارگری می‌باید از این اتحادیه‌ها و سندیکاها در برابر رژیم‌های سرمایه‌داری دفاع کنند، اما مرز انقلابی خود را در برابر آن‌ها می‌باید حفظ نموده و وظایف انقلابی خود را به عهده آن‌ها نگذارند. دلیل آن هم این است که اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها در طول تاریخ خود، در سطح کشورهای سرمایه‌داری غربی و آمریکای لاتین، صرفاً در جهت کسب مطالبات دموکراتیک و صنفی قدم برداشته و اعتقادی به مبارزات انقلابی طبقه‌ی کارگر با سرمایه‌داری در جهت برچیدن نظام سرمایه‌داری نداشته است. این نظریه که حق طبقه‌ی کارگر را می‌توان با صلح و با حضور در دستگاه دولتی بورژوازی از نظام سرمایه‌داری گرفت، بخصوص بعد از

جنگ جهانی دوم بوسیله دولت های سوسیال دموکرات تبلیغ و اجرا گردید. در آن زمان که خرابی های بعد از جنگ، نیاز به بازسازی را در سطح جهان مبرم کرده بود، در واقع باعث به جریان افتادن اقتصاد سرمایه داری در سطح جهانی گشت و باعث شکوفایی نظام سرمایه داری جهانی در چند دهه شد. ابعاد این شکوفایی به قدری گسترده بود که سرمایه داری جهانی مسئله ای در تن دادن به مطالبات دموکراتیک دولت های سوسیال دموکرات نداشت. این فرصتی شد برای دولت های سوسیال دموکرات که بتوانند سطح زندگی طبقه ی کارگر را در کشورهای خود تا حدود قابل ملاحظه ای بالا ببرند. این مطالبات دموکراتیک مانند: بیمه های اجتماعی، بیمه دوران بیکاری و بازنشستگی، کمک هزینه مسکن، کودک و تحصیلی، مرخصی سالیانه و نظایر این ها، سطح زندگی این کشورها را در مقایسه با گذشته بالا برد.

در این دوران نقش رهبری اتحادیه های کارگری، به جای استفاده از موقعیت برای سوق مبارزات از سطح مبارزات دموکراتیک به سطح مبارزات انتقالی (کسب کنترل کارگری در کارخانه ها و مبارزه در راستای سقوط سرمایه داری) صرفاً تبلیغ سیاست های دولت های سوسیال دموکرات بود. در طی این روند، رهبری این اتحادیه ها، کارگران را به «صبر انقلابی» برای کسب حقوق خود از بورژوازی کشورش دعوت می کرد. از طرف دیگر، روابط رهبری این اتحادیه ها با کارگران خود، به سطحی بوروکراتیک و به اجلاس کنگره های سالیانه و انتخابات محدود می شد. در طول باقی مانده ی سال، کلیه ی تصمیمات و اقدامات در رده ی رهبری صورت می گرفت و نتیجه ی اقدامات در ماهنامه ها برای اطلاع کارگران به چاپ می رسید. چنین

ماهیت بوروکراتیکی عملاً وجه مشترک بیش تری با بورژوازی داشت تا طبقه ی کارگر.

از دهه ی ۱۹۷۰ در آمریکا و دهه ی ۱۹۸۰ در اروپا و بخصوص اواخر دهه ی ۱۹۸۰ در سطح جهانی، سرمایه داری یک بار دیگر رو به بحران اقتصادی گذاشت. از آن زمان تا کنون، بورژوازی این کشورها توانسته به یکایک دستاوردهای گذشته ی طبقه ی کارگر تجاوز کند و دولت های سوسیال دموکرات نه تنها در برابر این تجاوزات ایستادگی نکردند، بلکه سرمایه داران موفق شدند که حملات خود به این دستاوردها را از طریق همین احزاب سوسیال دموکرات و کارگری انجام دهند. در چنین شرایطی، کارگران صرفاً سرخورده شده و لاقفل برای نسلی عقب نشینی می کنند و جنبش انقلابی در میانشان از بین می رود. وضعیت فعلی طبقه ی کارگر در کشورهای غربی خود نمونه ی بارزی از این شرایط است.

در رابطه با شرایط فعلی ایران و گشایش هایی که سرمایه داری جهانی می خواهد از طریق «ای ال او» در ایران پیاده کند، مسلماً نمی تواند به پای آن چه که در اروپا پیاده شد برسد و هدف از آوردن «آی ال او» به ایران هم چنین گشایش هایی نیست، بلکه صرفاً ایجاد ظاهری دموکراتیک برای رژیم و در عین حال سرکوب مبارزات انقلابی طبقه ی کارگر از طریق نهادهای زرد است. در چنین شرایطی برای طبقه ی کارگر پراکنده و سازمان نیافته ما اولین قدم اساسی، ایجاد تشکل های مستقل است که بتواند بدون دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت و نهادهای وابسته به آن (حتی آی ال او) و کلیه ی جریانات سنتی اپوزیسیون، کارگران را حول برخی مطالبات دموکراتیک متحد سازد.

تشکل های مستقل کارگری که بر خلاف اتحادیه های کارگری از بالا سازماندهی نشده و حضور و فعالیت تک تک کارگران در آن نقش سازنده دارد، سپس می تواند امکان شکل گیری هسته ی اولیه ی «حزب پیشتاز انقلابی» را فراهم آورد.

هسته ی اولیه این حزب که از درون همین تشکل ها مبارزات خود را با رژیم و نظام سرمایه داری آغاز می کند، نه تنها ارتباط مستقیم خود را از این طریق با سایر کارگران برقرار و محفوظ نگاه می دارد که در واقع می تواند با روشنفکران متعهد به طبقه ی کارگر و فعالان نظیر خود در سایر تشکل های مستقل پیوندد و «حزب پیشتاز انقلابی» را بنیان گذارند. این حزب که بطور مخفی عمل می کند، آن گاه می تواند با دخالت در سیاست های ارگان های کارگری که قرار است زیر نظر «آی ال او» اداره شود، بدیل های انقلابی ارائه داده و به این ترتیب نه تنها «آی ال او» و رژیم را به چالش بطلبد، بلکه زمینه ی عملی را برای جلب اعتماد طبقه ی کارگر آماده سازد.

در پروسه این حرکت، تشکل های مستقل کارگری کم کم نقش اصلی خود را از دست می دهند و حزب می تواند به ساختن «کمیتة های عمل مخفی» خود دست بزند. پیشبرد مبارزات انقلابی در این راستا است که به ایجاد «حزب انقلابی سراسری طبقه ی کارگر» منتهی شده و به انقلاب کارگری می انجامد.

سارا قاضی

۱ سپتامبر ۲۰۰۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری